

رویکرد ضد-ژئوپولیتیکی مبتنی بر مولفه‌های عدالت محور در رویه‌های

قضایی سازمان تجارت جهانی

اعظم یوسفی^۱

استادیار جغرافیای سیاسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۴

چکیده

دوران جدید یعنی دوره ی پس از پایان جنگ سرد تا برهه فعلی را می‌توان دوره شکوفایی سازمانهای بین‌المللی در نظام روابط بین‌الملل دانست. به ویژه در برهه اخیر که تأسیس و گستره فعالیت ده‌ها سازمان مختلف بین‌المللی با شتاب زیادی نسبت به گذشته، صورت گرفته است. این موضوع را می‌توان معلول تشخیص نیاز مبرم به این نهادهای بین‌المللی در عرصه روابط بین‌الملل در کنار دولت‌ها و همینطور پایان یکجانبه‌نگری ایالات متحده آمریکا در نظام ژئوپولیتیکی جدید دانست. با وجود تحولات فوق‌الذکر به علاوه وابستگی بیش از پیش کشورهای و مناطق، توسعه روابط بین‌الملل، سازمان‌دهی و قاعده‌مند کردن این روابط چندجانبه را بیش از گذشته ضروری ساخته است. نتیجه این توسعه نقش سازمانهای بین‌المللی در روابط خارجی کشورها، تأثیر پذیری خودکار مصوبات و اقدامات سازمانهای بین‌المللی از اوضاع جدید است. با این توضیحات، سازمان تجارت جهانی (WTO) یکی از سازمانهای بین‌المللی است که از با توجه به توازن‌های که می‌تواند در ساختار نظام جهانی ایجاد کند، دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. براین اساس نوشتار حاضر با بررسی یکی از فرایندهای موثر در ایجاد توازن یعنی فرایندهای قضایی سازمان تجارت جهانی با تأکید بر رویکردهای موجود در قبال کشورهای در حال توسعه با روش توصیفی و تحلیلی براساس مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای تهیه و تنظیم شده است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رویه‌های فعلی WTO به طور کلی و رویه‌های قضایی این سازمان به طور خاص با دادن امتیازاتی به کشورهای عمدتاً در حال توسعه جدای از اینکه به دنبال تعدیل رویه‌های ژئوپولیتیکی (سابقاً غالب) بوده است برای رفع نابرابری‌ها جهت تأمین عدالت اقتصادی در بررسی‌های قضایی خود، رویکردهای ضد-ژئوپولیتیکی شامل رویه‌های عدالت محور را مد نظر قرار داده است.

کلمات کلیدی: ضدژئوپولیتیک، ژئوپولیتیک، سازمان‌های بین‌المللی، کشورهای در حال توسعه، سازمان جهانی تجارت

مقدمه

عدالت اقتصادی، در یک ظرف کلی به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از عدالت اجتماعی به معنای مراعات حقوق اقتصادی در حوزه رفتارها و روابط اقتصادی است. این امر به‌صورت هدف اقتصادی، هنگامی به‌طور کامل محقق می‌شود که هر یک از افراد جامعه، به‌حق خود از ثروت و درآمدهای جامعه دست یابند به‌اندازه‌ای که بتواند سنگ بنای یک زندگی مشروع خلاق و کارآمد را بنا نهد. هدف نهایی عدالت اقتصادی این است که به هر شخصی اختیار دهد که به‌طور خلاقانه در کارهای نامعینی ماورای اقتصاد یعنی کارهای ذهنی و روحی به‌کارگماشته شود. عدالت اقتصادی در سیستم بین‌المللی دستیابی تمامی کشورها به حقوق و ثروت خود برای رسیدن به توسعه پایدار است. در حال حاضر تجارت به‌عنوان مهم‌ترین ابزار کشورها برای رسیدن به توسعه اقتصادی پایدار بوده و در سایه تجارت جهانی است که کشورها به رقابت می‌پردازند. جهانی شدن سبب گسترش روزافزون تجارت میان ملل مختلف گشته است و دلیل اهمیت تجارت در سطح بین‌المللی این است که هیچ کشوری را نمی‌توان یافت که تمام ضروریات و نیازمندی‌های خود را بدون داشتن روابط تجاری به‌صورت احسن برآورده کند. کشورهایی که عضو سازمان تجارت جهانی هستند بر اساس اصول و قواعد مشخصی تجارت می‌کنند اما عدم رعایت اصول و قواعد منجر به اختلافاتی بین آن‌ها می‌شود. این اختلافات در رکن حل‌وفصل اختلافات سازمان تجارت جهانی حل‌وفصل می‌شود. برای درک بهتر عملکرد این رکن باید بدانیم که سازمان جهانی تجارت (WTO) یک سازمان بین‌المللی است که قوانین جهانی تجارت را تنظیم و اختلافات بین اعضا را حل‌وفصل می‌کند. روش حل‌وفصل اختلاف در سازمان تجارت جهانی ترکیبی از روش‌های مختلف حل اختلاف است که در مجموع از هر دسته از روش‌های سیاسی و حقوقی متمایز است. آغاز این روش رسیدگی مشورت اجباری بین دولت‌های طرف اختلاف است که یک روش سیاسی حل اختلاف است و در پی انقضای مهلتی معین تشکیل مرجع رسیدگی پیش‌بینی شده است که نوعی نهاد قابل‌مقایسه با داوری و یا حتی سازش محسوب و پس از انجام وظیفه منحل می‌شود. درعین حال این مراجع رسیدگی حکم صادر نمی‌کنند و گزارش می‌دهند که تصویب یا عدم تصویب آن بستگی به نظر رکن حل اختلاف دارد که در واقع همان شورای سازمان است که عملاً ملاحظات سیاسی در کار آن دخالت دارد. سیستم حل‌وفصل اختلافات سازمان تجارت جهانی در بسیاری از موارد ستون اصلی سیستم چندجانبه تجاری و بیانگر نقش ویژه سازمان تجارت جهانی در ثبات بخشیدن به اقتصاد جهانی است. سازمان تجارت جهانی با حل‌وفصل اختلافات ناشی از تجارت در بین کشورها راه را برای توسعه و عدالت اقتصادی هموار می‌کند. حل اختلاف، رکن و ستون اصلی سیستم تجارت چندجانبه و نقش منحصره‌فرد سازمان تجارت جهانی در ثبات و پایداری اقتصاد جهانی است. بدون وجود راه و روشی برای حل اختلاف یک سیستم مبتنی بر قوانین کمتر تأثیرگذار خواهد بود زیرا قواعد ضمانت اجرایی نخواهند داشت. مسئله اصلی که در خصوص نظام حل‌وفصل اختلافات سازمان جهانی تجارت باید مدنظر قرار گیرد، توجه ویژه آن به کشورهای درحال توسعه است. به‌طورکلی کشورهای درحال توسعه در سازوکار حل‌وفصل اختلافات سازمان جهانی تجارت دارای حقوق برابر با سایر کشورها می‌باشند. بااین حال، این سازوکار تسهیلات ویژه‌ای را برای افزایش امکان

دسترسی این کشورها به نظام حل و فصل اختلافات در نظر گرفته است. با توجه به گسترش مبادلات تجاری و در نتیجه آن افزایش شمار دعاوی و اختلافات تجاری بین کشورها و همچنین با در نظر داشتن اهداف اصلی سازمان تجارت جهانی من جمله تحقق و اجرای عدالت اقتصادی برای بررسی این موضوع که اساساً سازمان تجارت جهانی چه زمینه‌هایی را برای تحقق این مهم پدید آورده است ابتدا باید به بررسی این مهم پرداخته شود که اساساً اهداف سازمان تجارت جهانی شامل چه مواردی می‌شود با بررسی متون و منابع مختلف درمیابیم که اهداف سازمان تجارت جهانی به طور مستقیم شامل عدالت اقتصادی نمی‌شود اما این اهداف در حقیقت زمینه‌ساز تحقق مفهوم عدالت اقتصادی هستند اهدافی نظیر:

۱. توسعه و آزادسازی روابط تجاری بین کشورها.
۲. آزادسازی نرخ بهره.
۳. آزادسازی کلیه یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم.
۴. آزادسازی نرخ ارز و غیره.

به روشنی می‌توان دریافت که سازمان تجارت جهانی در مسیر عدالت اقتصادی برای دولت‌های عضو گام برمی‌دارد با این زمینه‌ساز و کارهای سازمان تجارت جهانی نیز علی‌الاصول باید برای تحقق این اهداف طراحی و بهینه‌شده باشند لذا تمام سازوکارها نظیر رویه حل اختلاف این سازمان نیز در همین راستا و با این دید به فعالیت خود می‌پردازد.

همچنین با مرور اهداف و اصول سازمان تجارت جهانی می‌توان دریافت که با تأکیدی که بر مسئله افزایش سهم کشورهای در حال توسعه دارد و بررسی این نکته که به لحاظ سیاسی کشورهای کمتر توسعه‌یافته از لحاظ بهره‌مندی در وضعیت نامناسب‌تری نسبت به کشورهای توسعه‌یافته دارند کشورهای توسعه‌یافته درصدد ایجاد زمینه‌ای هستند تا با افزایش توان کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته باب جدیدی از تجارت را با این کشورها باز کنند چراکه در یک ظرف کلی‌تر این مسئله نیاز مبرم کشورهای توسعه‌یافته نیز می‌باشد چراکه سهم بیشتر آنان در تولیدات و نقل و انتقالات نیاز به مشتری و همچنین طرف‌های تجاری قدرتمندتر هست لذا از این جهت نیز می‌توان به این نکته و مهم پی برد که سازمان تجارت جهانی از یک سو مقاصد کشورهای توسعه‌یافته را ممکن است مدنظر داشته باشد از سوی دیگر مقاصد کشورهای توسعه‌یافته نیز در گرو پیشرفت و حمایت از کشورهای مصرف‌کننده و کمتر توسعه‌یافته است لذا این میزان همواره باید مدنظر کشورهای عضو و سیاست‌گذار نیز بوده باشد و این خود مسلماً یکی از دلایل تشکیل رکن حل اختلافات در این سازمان بوده است چراکه در مذاکرات دور اروگوئه این حلقه مفقود مانده بود و با بررسی‌های صورت گرفته و شوراها بعدی این رکن به سازمان اضافه شد زیرا شیوه‌های معمول حل اختلاف که مسائل سیاسی در آن بسیار نقش تعیین‌کننده‌ای دارند نمی‌توانستند محل مناسبی برای دادخواهی کشورهای کمتر توسعه‌یافته باشند فلذا در مجموع در راستای اهداف سازمان تجارت جهانی و نهایتاً هدف اصلی که تحقق عدالت اقتصادی باشد دارای ریسک‌های بالایی محسوب می‌شد.

با وجود اینکه همانند حقوق بین‌الملل عمومی در سازمان تجارت جهانی نیز تعریف دقیقی از کشورهای در حال توسعه وجود ندارد اما این توجه ویژه به کشورهای در حال توسعه را می‌توان در اسناد مختلف شکل دهنده رکن حل اختلاف سازمان تجارت جهانی استنباط کرد.

به‌طور کلی کشورهای توسعه‌یافته در سازمان تجارت جهانی دارای حقوق برابر با سایر کشورهای عضو هستند با این حال رکن حل اختلاف این سازمان برای کشورهای در حال توسعه تسهیلات ویژه‌ای را در نظر گرفته است برخی از این تسهیلات در خصوص دسترسی راحت‌تر این کشورها به مکانیزم حل و اختلاف این سازمان می‌باشند به‌طور مثال:

الف. هیئت رسیدگی باید حتماً مشخص نماید که چگونه مقررات مربوط به رفتار ویژه با کشورهای در حال توسعه را برای کشورهای در حال توسعه طرف دعوا مدنظر قرار داده و رعایت کرده است.

ب. زمانی که اختلاف میان یک کشور در حال توسعه و یک کشور توسعه‌یافته باشد با درخواست کشور در حال توسعه عضو هیئت رسیدگی حداقل متشکل از یک نفر از کشور در حال توسعه خواهد بود.

ج. با درخواست کشور در حال توسعه عضو دبیرخانه سازمان تجارت جهانی یک کارشناس حقوقی مجرب را برای مشاوره در اختیار کشور در حال توسعه عضو قرار می‌دهد.

همچنین این رکن از سازمان، تسهیلات دیگری نیز به‌منظور حمایت و جلب و حصول اطمینان این کشورها در اختیار آنان قرار می‌دهد اقداماتی نظیر درخواست مهلت زمانی بیشتر برای آمادگی برای دفاع یا درخواست معاضدت‌های حقوقی بیشتر از سازمان تجارت جهانی و غیره.

(مرکز مطالعات اقتصاد بین‌الملل دانشگاه استکهلم، شیوه‌های جبران خسارت در نظام حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی و منافع کشورهای توسعه‌یافته. شماره ۶۳ مرداد ۸۳ : ۷۴)

اما مهم‌ترین منفعت این سازوکار برای کشورهای در حال توسعه به اصول سازمان تجارت جهانی و اصل اقدام چندجانبه بازمی‌گردد که این اصل عملاً مانع توسل کشورها به خصوص کشورهای قدرتمند به اقدامات یک‌جانبه علیه کشورهای در حال توسعه می‌شود. علاوه بر این، خودکار بودن و محدودیت زمانی داشتن فرآیند حل و فصل اختلافات خود گام بلندی در جهت اعتمادسازی به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. در نهایت همانند تمامی بحث‌های حقوق بین‌الملل به بحث ضمانت اجراهای پیش‌بینی‌شده در خصوص مورد موضوع تحقیق می‌پردازیم که این مهم با بررسی اساسنامه و همچنین رویه و عملکرد رکن حل و فصل به دست می‌آید.

در سیستم حل و فصل اختلافات آنچه بسیار اهمیت دارد برقراری عدالت اقتصادی است و از شرایط تحقق عدالت اقتصادی، تأمین امنیت اقتصادی است که این مهم سبب تنظیم مقررات خاص و ویژه در جهت برداشتن تبعیضات میان کشورها و دادن امتیازات به کشورهای در حال توسعه و ضعیف شد، از دیگر اهداف رفتار ویژه و متفاوت می‌توان از تضمین حقوق، ممانعت از سلطه اقتصادی و جلوگیری از تضمین منافع و مشارکت هرچه بیشتر کشورهای در حال توسعه در سازمان تجارت جهانی نام برد. (Qureshi 2003, 2015)

با این حال کشورهای در حال توسعه و فقیر جهت بهره‌مند شدن از امتیازات حمایتی و سازوکارهای حل و فصل اختلافات با مشکلات و چالش‌هایی روبرو هستند که منجر به مشارکت محدود آن‌ها در این رکن گردیده است و به نظر می‌رسد یکی از دلایل این محدودیت‌ها مربوط به وضعیت اقتصادی و داخلی این کشورهاست. لذا با این وصف با توجه به پیچیدگی روزافزون اختلافات بین‌المللی و تنوع کشورها از منظر توسعه‌یافتگی شاید نتوان همواره راه‌حل ناشی از اعمال دقیق مقررات موضوعه را برای دعاوی مطروحه منصفانه تشخیص داد. مع‌هذا پژوهش‌گر در این پژوهش، سعی بر بررسی و تحلیل رویه حل اختلاف در سازمان تجارت جهانی داشته و با تبیین جایگاه عدالت اقتصادی در پاسخ به این مهم است که تا چه میزان رویه حل اختلاف در مقام رسیدگی به رعایت حقوق کشورها پرداخته و چه امتیازاتی برای این کشورها در نظر گرفته است و آیا رویه‌های ناعادلانه متأثر از جایگاه و موقعیت کشورها در نظام ژئوپولیتیک جهانی در این حل و فصل‌ها همچنان نقش آفرینی می‌کند؟

چارچوب نظری

سازمان تجارت جهانی

قبلاً توجه به موضوع ضرورت ایجاد یک نظام شبیه به گات برای تجارت خدمات (تجارتی که سهم فزاینده‌ای از اقتصاد ملی کشورهای متعدد - و به تبع آن از تجارت جهانی - را به خود اختصاص می‌داد) جلب شده بود. همین نیاز برای ایجاد چارچوب سازمانی برای قواعد مربوط به حقوق مالکیت معنوی نیز احساس می‌شد، با توجه به این که تعدادی از مؤسسات و سیاست‌گذاران اعتقاد داشتند که «سازمان جهانی مالکیت معنوی» برای انجام وظایف مندرج در موافقتنامه‌های مورد نظر جدید راجع به مالکیت معنوی نامناسب بود. لذا مباحثی در خصوص این موضوعات در گات صورت پذیرفت و بویژه در کنفرانس وزیران در سال ۱۹۸۲، اعضای گات توجه خود را به تشویق آغاز یک دور مذاکره جدید معطوف داشتند. از زوایای مختلف مخالفت‌های زیادی نسبت به این پیشنهاد ابراز گردید. در ابتدا جامعه اروپایی در مورد پرداختن به مسئله تجارت خدمات مردد بود، اما بعدها اهمیت موضوع برای تعداد زیادی از کشورهای عضو جامعه مزبور (مانند پادشاهی متحده انگلستان با مرکز مالی مهم خود در شهر لندن) مشخص گردید. برخی از کشورهای در حال توسعه بطور جدی نگران قوانینی بودند که حقوق مالکیت معنوی را بدون در نظر گرفتن نیازهای این کشورها مورد حمایت قرار می‌داد. تعداد دیگری از کشورهای در حال توسعه نگران بودند که نظامی مشابه گات برای تجارت خدمات، صنعت خدماتی آنها را در مقابل برخی از بنگاه‌های قدرتمند مستقر در کشورهای صنعتی در موقعیت ضعیف تری قرار خواهد داد. (Jackson, 1995: 2)

به عبارت دیگر، سازمان تجارت جهانی، سازمانی بین‌المللی اقتصادی است که در جهت روان‌سازی قوانین تجارت بین‌المللی بین کشورها فعالیت می‌کند و نقش مؤثری در توسعه و ترویج حقوق بین‌الملل اقتصادی داشته است. (مؤمنی، عنایتی، ۱۳۹۵، ۱) سازمان تجارت جهانی در واقع یک مجمع بزرگ جهانی است که توافقات تجاری بین‌المللی در آن شکل می‌گیرد و مناقشات تجاری کشورهای عضو در آن حل و فصل می‌شود. برای وضع یک قانون جدید در سازمان تجارت جهانی لازم است همه کشورهای عضو بر سر آن توافق کنند؛ امری که بسیار دشوار است.

از این رو اگر برخی از کشورها عضو سازمان تجارت جهانی از قوانین کنونی و یا نحوه تفسیر آنها از سوی قضات سازمان ناراضی باشند، شانس چندانی برای تغییر این قوانین وجود ندارد و این مسئله باعث افزایش فشار بر بخش قضائی سازمان تجارت جهانی شده است. در سال‌های اخیر تعداد دعاوی تجاری ارجاعی به دستگاه قضائی سازمان تجارت جهانی، هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ میزان پیچیدگی، رشد چشمگیری داشته است. از طرفی دادگاه استیناف WTO با انبوهی از پرونده‌های به‌جای مانده از گذشته مواجه است که تکمیل فرآیند رسیدگی به آنها حداقل دو ماه دیگر زمان می‌برد. یکی از این پرونده‌ها مربوط به شکایت اتحادیه اروپا از شرکت هواپیماسازی ایرباس است که از حدود یک سال قبل تاکنون همچنان حل نشده باقی مانده است (شکل ۱).

عدالت اقتصادی

مسئله عدالت اقتصادی در سطح بین‌المللی زمانی مطرح است که خواسته‌های متعارض وجود دارد و قاعده عدالت اقتصادی امکان سازگاری میان خواسته‌های متفاوت را فراهم می‌سازد. سازگاری میان خواسته‌های متعارض اقتصادی بر اساس توافق عمومی و قراردادهای اقتصادی در حوزه اقتصادی میسر است. با توجه به توسعه روابط تجاری کشورها در سطح بین‌المللی و علاقه متعاملین تجاری به ارجاع اختلافات به سازمان تجارت جهانی و توجهاً به تأکید مقررات مختلف در روابط تجاری بین‌المللی خود، لزوم تنظیم موافقت‌نامه تجاری جهت ارجاع اختلاف به سازمان تجارت جهانی موضوع تنظیم موافقت‌نامه‌های تجاری بین‌المللی اهمیت قابل توجهی یافته است و عملاً به موجب تمامی مقررات، موافقت‌نامه تجاری به عنوان اساس و پایه هر مکانیزم تجاری محسوب می‌شود. کشورها برای رسیدن به تمام حقوق تجاری خود؛ ملزم به اجرای کلیه مفاد، اصول و قواعد سازمان تجارت جهانی هستند. سازمان تجارت جهانی در جهت تحقق عدالت اقتصادی کشورها، متناسب با نوع اختلافات؛ رویه‌های مختلفی تعیین کرده است. با توجه به اینکه از اصلی‌ترین دلایل انعقاد تفاهم‌نامه‌ی حل و فصل اختلافات در سازمان تجارت جهانی، حمایت از کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته است و از طرفی کشور ایران نیز جزو کشورهای در حال توسعه‌ای است که ملحق به این سازمان نشده اهمیت این بحث مطرح می‌شود.

با جمع‌بندی مفهوم «عدالت اقتصادی» برحسب کاربرد آن در متون اسلامی، چهار معنای: تساوی، دادن حق هر صاحب حق به آن، عدم تفاوت فاحش درآمدی، و اعتدال را می‌توان استخراج کرد. همه معانی عدالت اقتصادی، بلکه عدالت به صورت مطلق را می‌توان به مفهوم «اعطاء کلّ ذی حقّ حقّه» گرفت (یعنی همان کاری که شهید مطهری کرده است) ۲۲ یا می‌توان به مفهوم توازن و تناسب دانست (یعنی همان کاری که احتمالاً افلاطون کرده است)؛ ۲۳ ولی در شاخص‌سازی، نیاز است که قلمروهای مختلف عدالت اقتصادی به صورت مستقل و تفکیک‌شده مورد بحث قرار گیرند تا بتوان برای هر کدام شاخص تعیین کرد (Yousefi, 2005: 17).

اقتصاد دانان در خصوص عدالت دو دیدگاه کاملاً متفاوت دارند: عده ای بر این عقیده اند که عدالت منشاء خارجی دارد و از خارج باید به سیستم اقتصادی تزریق شود. مارکسیست‌ها و سوسیالیست‌ها نمونه بارز این افراد هستند. اما گروه دیگری معتقدند که اگر نظام اقتصادی به شیوه صحیح اعمال شود، خودش در درونش عدالت را

برقرار می‌کند و نیازی به اعمال عدالت از خارج نظام اقتصادی نیست. البته در کنار این اظهار نظر عده ای هم بحث عدالت و عادلانه بودن بازار را مطرح می‌کنند.

اما دیدگاه متعادل تری هم وجود دارد. بر اساس این دیدگاه نه بر برون‌زا بودن عدالت اصرار می‌شود و نه بر درون‌زا بودن آن. زیرا در مواردی نمی‌توان به طور قطع آن را برون‌زا یا درون‌زا دانست، بلکه تصور بر این است که ذات اقتصاد پیش روی به سوی حداکثر سود است. از اینرو با ذات عدالت در تعارض است اما این به معنای اینکه باید از دیدگاه‌های تندرانه مارکسیسم پیروی کرد نیست، بلکه به نظارت دولت برای برقراری عدالت تاکید می‌کند. نظام اقتصادی ای در تحقق عدالت موفق تر است که تنش و برخورد در زیر نظام‌ها و خود نظام حداقل باشد یا وجود نداشته باشد. اگر که نظام‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نتوانند یک نوع تعامل منطقی داشته باشند، عدالت به وجود نمی‌آید. بنابراین در مواردی دولت‌ها هم می‌توانند به مانعی در جهت تحقق عدالت اقتصادی بدل شوند (Rajaei, Seyed Kazem, Moalemi, Seyed Mehdi, 2010)

ژئوپولیتیک و ضد-ژئوپولیتیک

به منظور تجزیه و تحلیل، ژئوپولیتیک را به عنوان یک رویکرد سیاسی درباره یک وضعیت برگرفته از موقعیت‌اش روی نقشه، تعریف خواهیم کرد. (واندر واستن و دجیکنک ۲۰۰۲) چنین تعریفی برای برجسته کردن چنین ادعایی کافی است که برای تشریح موقعیت دوگانه مرکزی این اثر، مهم‌اند. ادعای مهم ژئوپولیتیک، عینی است. ظاهراً این عامل، از طریق تمرکزش روی شرایط پایدار محیط فیزیکی، تضمین می‌شود. بر این اساس، "ادعاهای ژئوپولیتیک، فراهم آوردن دیدگاه بی‌طرفانه‌ای در زمینه سیاست‌های بین‌المللی پاک شده از ایدئولوژی و سایر عوامل گفتمانی به طور کلی است". در این مفهوم، ژئوپولیتیک، خنثی کردن ایده‌آلیسم، ایدئولوژی و اراده انسانی که بیانگر یک گفتمان جبرگرایی است که سیاست را بر مبنای جغرافیا تحلیل می‌کند و باعث برانگیختن ویژگی‌های طبیعی و بدون تغییر جغرافیا می‌شود.

در مقابل، ضدژئوپولیتیک، به نقش ایده‌ها، عامل انسانی، روحانی، اخلاقی و احتمال تغییر، علیرغم محدودیت‌های شرایط عینی، تأکید می‌کند. تمایز میان ژئوپولیتیک و ضدژئوپولیتیک را می‌توان در چارچوب مباحث روابط بین‌المللی مطرح کرد. اول این‌که ژئوپولیتیک، بر بعد رئالیسم قرار دارد و ضدژئوپولیتیک، بر بعد ایدئالیسم در اولین مبحث قرار دارد. ژئوپولیتیک، که شاخه‌ای از تفکر رئالیست است مبارزه رئالیست را بر سر قدرت در شرایط خاص‌تر، مثل مبارزه بر سر اراضی، مفهوم‌سازی می‌کند. دوم این‌که، انتقاد ضدژئوپولیتیک از جبرگرایی و ماتریالیسم، تقسیم‌کننده مشترکی با انتقاد بازتاب‌گر از نئولیبرالیسم و نئورئالیسم است. ژئوپولیتیک به همراه رئالیسم، دارای نقش مهمی در گفتمان عمومی در حوزه روابط بین‌الملل است. همانند رئالیسم، این رویکرد، در چیزی که به عنوان بعد منطق مشترک سیاست بین‌المللی است نقش دارد، بدین سان، ادعاهایی را مطرح می‌کند که، بی‌چون و چرا پذیرفته می‌شوند و اطلاع‌دهنده تفکر روابط بین‌المللی است. گزینی نشان می‌دهد که، رئالیسم، به عنوان یکی از اصول تحقیقی اجتماعی، معرف‌هانس مورگنتا است که سعی دارد ابعاد منطق مشترک قدیمی‌تر دیپلماسی اروپایی را

به زبان علوم اجتماعی آمریکایی ترجمه کند. بدین سان، نئورئالیسم کنس والتز، تنها گام دیگر به سوی تشکیل منطق مشترک سیاست بین‌المللی است. این مشاهده به ما کمک می‌کند تا پی ببریم تا چه اندازه زبان متخصصین سیاست‌های بین‌المللی و سایر بخش‌های مهم تحقیقات IR در واقع رئالیستی‌اند (kazini, 1998).

نمونه مشابه دیگری را می‌توان با توجه به ژئوپولیتیک، مطرح کرد به نحوی که مطرح‌کننده باورهایی درباره نقش فضای فیزیکی در سیاست بین‌المللی باشد. اغلب در ژئوپولیتیک می‌توان به عقاید شخصیت‌های قدرتمند سیاسی مثل ناپلئون یا بیسمارک اشاره کند. در این رابطه، تمایزی را می‌توان میان استدلال سیاسی عملی از نوع منطق مشترک و استدلال ژئوپولیتیک رسمی بر مبنای تئوری، مطرح کرد. وجود ژئوپولیتیک عملی را می‌توان به عنوان مدرکی دال بر اهمیت تفکر ژئوپولیتیک در منطق مشترک روابط بین‌الملل، در نظر گرفت. وجود گفتمان ژئوپولیتیک، بعنوان منطق مشترک روابط بین‌الملل، دارای چندین پیامد است. مهم‌تر این‌که، نقش‌های این منطق مشترک، به عنوان ساختارهای گفتمانی‌اند که یک نوع توضیح ممکن یا قابل فهمی را مطرح می‌کنند در حالی که از سایر توضیحات اجتناب می‌کنند. در نتیجه، ژئوپولیتیک همانند رئالیسم، به عنوان یکی از پیش فرض‌های تفکر بین‌المللی در نظر گرفته می‌شود. شناخت رئالیسم و ژئوپولیتیک، در زمینه تفکر بین‌المللی، آن‌ها را (ژئوپولیتیک و رئالیسم) تا حدی در گفتمان عمومی اجتناب‌ناپذیر می‌کند به‌ویژه زمانی که در نقش‌های گفتمانی از ایده خاصی دفاع می‌کنند. در این باره، حتی متفکرینی که زمینه تئوری‌شان، ضد رئالیستی و ضد ژئوپولیتیک است گاهی اوقات از زبان رئالیسم و ژئوپولیتیک برای دسترسی به مخاطب بیش‌تر، استفاده می‌کنند. پذیرش زبان ژئوپولیتیک، نمی‌تواند معادل تفکر ژئوپولیتیک گوینده باشد. در نتیجه، جک دریدا و جورج هابرمس به واژگان تعامل قدرت رئالیست، زمانی اشاره می‌کنند که، اروپا باید یک جنبه‌گرایی ایالات متحده را مورد تعامل قرار دهد، علیرغم این حقیقت که شبکه تئوری آن‌ها، به وضوح با آن‌چه که رئالیسم اشاره می‌کند، در تضاد با آن قرار دارد (Amiri, Lotfi, 2020: 91-93).

منطقه‌شناسی پژوهش

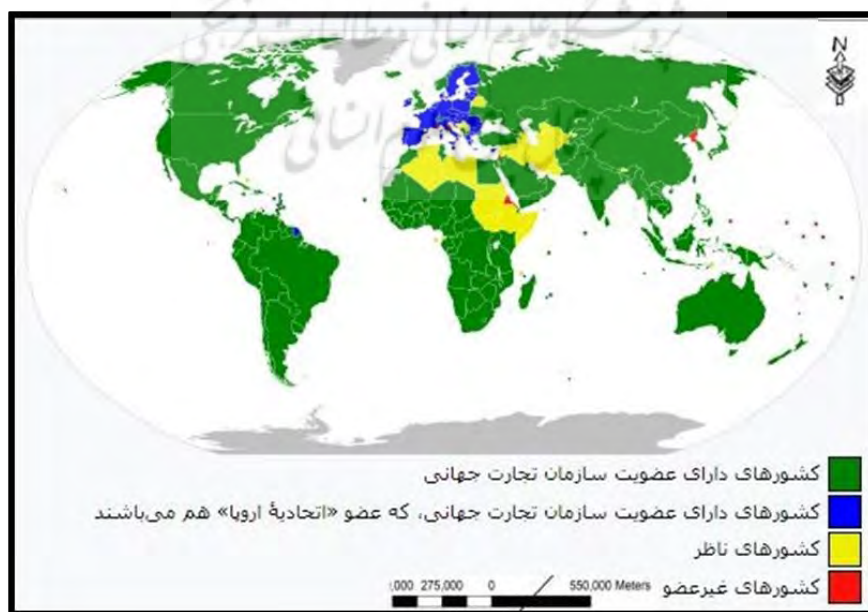
عضویت در سازمان تجارت جهانی مستلزم پذیرفتن اصول و معاهدات متعددی است که مورد قبول کشورهای عضو قرار گرفته‌است. این مراحل شامل تقاضای عضویت، پذیرش درخواست (الحاق به عنوان عضو ناظر)، تدوین گزارش سیاست‌های تجاری کشور، تشکیل گروه کاری الحاق و در نهایت مذاکرات دوجانبه و چندجانبه‌ای به منظور تعیین شرایط عضویت و حصول توافق برای الحاق می‌باشد هم‌اکنون سازمان تجارت جهانی ۱۵۳ عضو دارد (نزدیک به تمامی ۱۲۳ کشوری که اجلاس اروگوئه شرکت کردند، امروز در این سازمان عضو دائم شده‌اند) بیست و هفت بخش از اتحادیه اروپا نیز به عنوان نمایندگان اتحادیه حضور دارند اعضا می‌بایست در طی مراداتی با دیگر کشورهای عضو تعامل داشته باشند و لزوم عضویت در سازمان این امر را تایید نمی‌کند که کشورها می‌توانند در منطقه اقلیمی خود خودکفا باشند و یا به استقلال دیگر کشورها صدمه‌ای وارد بیاورند.

مراحل عمومی پیوستن به سازمان :

فرایند الحاق به سازمان تجارت جهانی فرایندی طولانی و چند مرحله ای است که هر مرحله آن الزامات و شرایط خاص خود را می طلبد. کشوری که خواهان عضویت است ابتدا باید تقاضای عضویت خود را به وسیله دبیر کل سازمان به اطلاع سایر اعضا برساند. پس از طرح تقاضای این کشور در جلسه شورا و به مجرد اینکه درخواست وی مبنی بر عضویت پذیرفته شد یک گروه کاری جهت رسیدگی به تقاضای عضویت کشور متقاضی تشکیل شده و این کشور گزارشی از سیاستهای تجاری خود تهیه و به این گروه ارائه می دهد.

همزمان با اقدامات پیش گفته، مذاکرات دو جانبه و چند جانبه ای به منظور تعیین شرایط عضویت و حصول توافق میان گروههای کاری صورت می گیرد. سپس تنظیم پروتکل الحاق کشور، و مشخص شدن تعهدات هر کشور در زمینه گشایش بازار کالا و خدمات خود به روی سایر اعضا انجام می گیرد. در واقع مرحله اول یعنی مذاکرات، آغاز فرایندی است که در نهایت به عقد موافقتنامه میان دولت متقاضی و سازمان منجر می شود. این مرحله در سازمان تجارت جهانی به مرحله اثبات واجد شرایط بودن موسوم است. وبه مجموعه اطلاعاتی مربوط می شود که هر کشور (متقاضی عضویت) باید تهیه کند و در اختیار گروه کاری قرار دهد و به طور عمده شامل گزارش سیاست تجاری، پرسشها و پاسخهای کتبی مربوط به این گزارش و اسناد و قوانین مورد نیاز است.

نتیجه تلاشهای گروه کاری به تهیه اسنادی منجر خواهد شد که شامل گزارش گروه کاری، پروتکل الحاق و جدول تعهدات دسترسی به بازار کشور در مورد کالاها و خدمات است. جدول مذکور توسط دبیر خانه سازمان تهیه می شود. مرحله آخر، مجموعه ای است که برای تصویب به شورای عمومی تسلیم می شود. رای گیری در جلسه شورا باید انجام گیرد و عضویت کشور متقاضی منوط به کسب دو سوم آرا است یک ماه پس از تصویب پروتکل توسط پارلمان کشور متقاضی، عضویت به مرحله اجرا در می آید (<http://isihome.ir/content/19--world-trade-> organization).



سازمان تجارت جهانی امروز یکی از پایه‌های جهانی شدن، به ویژه در حوزه اقتصاد به شمار می‌رود. بدین سان، کشورهای مختلف تلاش می‌کنند برای تسریع روند جهانی شدن و استفاده از منافع آن، این سازمان بین‌المللی را توسعه داده و جایگاهش را ارتقاء بخشند. از دیگر سو کشورهایی که عضو این سازمان نیستند نیز، تلاش می‌نمایند تا به عضویت آن درآمده و با استفاده از امتیازات عضویت در این نهاد بین‌المللی به توسعه اقتصادی و صنعتی دست یابند. هم‌اکنون سازمان تجارت جهانی ۳۵۰ عضو دارد، امروز در این سازمان عضو دائم شده‌اند. سازمان تجارت جهانی برای کشورهای عضو مجموعه‌ای از تهدیدها، فرصت‌ها، آسیب‌ها و منافع را به همراه دارد. همچنین این سازمان همانند سایر نهادها و سازمان‌های دیگر موجد اصولی برای اعضا می‌باشد که کشورهایی که خواهان عضویت در این سازمان هستند بایستی این اصول را پذیرفته و سرلوحه خود قرار دهند

رویکرد ضد-ژئوپولیتیکی WTO در رویه‌های قضایی

نهادهای اقتصادی چندجانبه نقش مهمی در شکل دادن به تعاملات سیاسی-اقتصادی جهان معاصر بازی میکنند. آنها اقتدار و مشروعیت خود را از تمایل دولتها برای واگذاری بخشی از اقتدار خود در زمینه قدرت تصمیم‌گیری به چنین نهادهایی به دست می‌آورند. در دوره پس از جنگ جهانی دوم، این نهادهای اقتصادی وظیفه احیای اقتصاد سیاسی جهان و ایجاد نظامی از قوانین، مؤسسات و رویه‌ها به منظور شکلدهی سیستم‌های اقتصاد بین‌الملل با هدف پیگیری برنامه ایجاد ثبات و بازسازی را برعهده داشتند. در عین حال، نهادهای جهانی امروز را میتوان ناشی از این واقعیت نیز دانست که قدرت ایالات متحده برای بیش از نیم قرن بر سیاست جهان سلطه داشته است. این کشور پس از جنگ جهانی دوم به صورت بزرگترین بازیگر عرصه بین‌الملل ظاهر شد، و نظام بین‌المللی را حول طیف وسیعی از نهادهای حاکمیتی به ویژه سازمان ملل متحد، صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)، و اتحادهای امنیت منطقه‌ای ایجاد کرد. پایان جنگ سرد نیز این نظام نهادی جهانی به رهبری امریکا را تثبیت نمود. با وجود این، شرایط در حال تغییر است؛ زیرا برخی دولتها، و در راس آنها کشورهایی مانند هند و چین، با سرعت بالای توسعه خود، در قامت قدرتهای جهانی درحال ظهور هستند. بر این اساس ایالات متحده دارای منافع اقتصادی برای ایجاد گات بود. از طرفی انجام چنین کاری نیازمند قدرت لازم بود. بنابراین سیستم تجارت جهانی پس از جنگ جهانی دوم بر اساس ترکیب قدرت و منافع شکل گرفت. لذا نهادهای جهانی امروز بازتاب واقعیت سلطه ایالات متحده برای بیش از نیم قرن بر سیاست جهان هستند. امریکا پس از جنگ جهانی دوم به صورت بزرگترین قدرت ظاهر شد و نظام بین‌المللی را حول طیف گسترده‌ای از نهادهای حاکمیتی پی‌ریزی کرد. در چهارچوب نظام دوقطبی، ایالات متحده به عنوان رهبر و قدرت برتر نظام بین‌الملل توانست با کشورهای آتلانتیک شمالی و ژاپن به اجماعی در زمینه اصول، قوانین و راهکارهای حفظ و گسترش نظام سرمایه‌داری لیبرال دست یابد. پایان جنگ سرد نیز این نظام نهادی جهانی را تثبیت نمود زیرا بدنبال فروپاشی شوروی، قدرت و ساختار منافع به سمت انسجام و یکنواختی بیشتر حرکت کرد. هنگام شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی، غرب در نقطه اوج تسلط تاریخی خود قرار داشت اما درحالیکه انگیزه و محرک پنهان برای این دوره، سودجویی

اقتصادی (همراه با قدرت) بود، این دوره همچنین بنیان و اساسی مهم برای افزایش وابستگی متقابل در اقتصاد و سایر حوزه‌های موضوعی گردید. عاملی که بر فرض نئولیبرالیستها حتی در صورت کاهش قدرت نسبی ایالات متحده، انگیزه عقلانی و استراتژیک لازم را برای دولتها جهت ادامه همکاری ایجاد میکند (Keohane, 2012) چنین شرایطی به خاطر درجه بالای ثروت اقتصادی دولتها است که آنها را برای دسترسی به بازارهای مصرف یکدیگر به شدت به هم وابسته نموده است (Dunne, 2010: 121) همچنین پدیده جهانی شدن به عنوان موضوع غالب در اقتصاد بین الملل، موجب گرایش به سمت چندجانبه گرایی هنجارها و قواعد حاکم بر نظام بین الملل شد. اما به عقیده بسیاری، امروزه این شرایط در حال تغییر است. زیرا گروهی از کشورهای با سرعت بالایی توسعه به رهبری چین و هند، درحال ظهور هستند و در چند دهه آینده اقتصادهای آنها با اقتصاد ایالات متحده و اروپا رقابت خواهند کرد. در واقع برای اولین بار در دوران مدرن، رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه غیرغربی، در حال صعود به ردههای بالای نظام جهانی است. واقعیتی که نشان دهنده تحول عمده ای در ژئوپولیتیک پس از جنگ سرد، تقاضای فزاینده برای نفت، و موضوعات زیست محیطی است. زیرا ثروت و قدرت از طریق فعالیت بازیگران مستقل که مهمترین آنها دولتها میباشند به هم مرتبط اند. این درحالی است که نه مبنایی برای یک سلسله مراتب دولتی در جهان وجود دارد و نه تخصیص دهنده معتبر منابع یا «جامعه جهانی» تصمیم گیر در ارتباط با نتایج اقتصادی، و یا مجموعه ای محکم و قابل اجرا از قوانین جامع. در صورتیکه بازیگران درصدد بهبود رفاه خود از طریق هماهنگی سیاستهایشان برآیند، باید با چانه زنی و توافق چنین کاری را انجام دهند (Keohane, 1984: 18)؛ لذا به وضوح فرایند بازتوزیع نیروهای اقتصادی و پیامدهای آن از جمله مولفه های مربوط به عدالت اقتصادی برای حاکمیت جهانی به جریان افتاده است.

نظام قضایی در سازمان تجارت جهانی

تعارض منافع تجاری کشورها، علی الخصوص کشورهای توسعه یافته و درحال توسعه، همواره موجب بروز اختلافات در چارچوب گات شده و در نتیجه، نظام حل اختلاف گات پر کار و فعال در حل و فصل اختلافات بین المللی است. از سوی دیگر، اختلاف دولتها در زمینه مسائل تجاری با سایر اختلافات در روابط بین الملل تفاوت ماهوی دارد و از این جهت، شاید سایر سازوکارهای حل اختلاف کنونی، همچون رسیدگی دیوان بین المللی دادگستری، در این زمینه پاسخگو نباشد؛ زیرا هدف غایی در زمینه موافقتنامه های چون گات یا سازمان جهانی تجارت، تأمین تفاهم و تضمین تجارت آزاد و غیرتبعیضی، اجرای موازین خشک حقوقی. ملاحظاتی از این دست کشورهای عضو است و نه صرفاً موجب شکل گیری نظام حل اختلافاتی شده است که با هیچ نظام حل اختلاف دیگری قابل مقایسه نیست و درعین حال عناصر تشکیل دهنده آن را در بسیاری از روشهای دیگر حل اختلاف میتوان یافت؛ در حقیقت ترکیبی از شیوه‌های حقوقی و شیوه های انعطاف پذیرتر سیاسی است (WTO Law).

مبحث اول:

مکانیسم حل و فصل اختلاف

بروز اختلافات بین طرفهای تجاری، یکی از پدیده های طبیعی در تجارت، از جمله در تجارت بین الملل محسوب می شود. بر همین اساس، درج ماده ای اختصاصی در قرارداد، همواره از موضوعات مهم مورد توجه بوده است. در

سطح وسیع تر و جهانی اقداماتی نیز برای قاعده مند کردن و نظام بخشیدن به روشهای حل و فصل اختلافات تجاری صورت گرفته است. این اقدامات را می‌توان در دو گروه طبقه بندی کرد: اول - اقدامات سازمانهای بین المللی غیر دولتی از جمله مهم ترین آنها، اقدامات اتاق بازرگانی بین المللی (ICC)^۱ بوده قواعدی در این زمینه برای رسیدگی به اختلافات تجاری بخش خصوصی کشورها با یکدیگر وضع کرده است..

دوم - اقدامات سازمان های بین المللی دولتی از جمله مهم ترین و چشمگیرترین این اقدامات، اقدام مؤسسين سازمان ملل متحد در تاسيس نهادی حقوقی و قضایی به نام «دیوان بین المللی دادگستری» به عنوان رکن قضایی سازمان ملل متحد است. به رغم اقدامات موازی سازمانهای بین المللی دولتی و غیردولتی در ایجاد نظامی برای رسیدگی به اختلافات تجاری، با توجه به گسترش چشمگیر حجم و تنوع تجارت بین الملل، نیاز به ایجاد نظامی جامع تر و فراگیرتر در این زمینه بسیار محسوس بوده و بر این اساس در چارچوب سازمان جهانی تجارت به این مسأله به طور جدی تر نسبت به گذشته نگرسته شده و با الگوبرداری از سازمان ملل متحد، رکن حل و فصل اختلافات برای سازمان مقدم الذکر طراحی شده است (Bernard, 1995).

مبحث دوم:

نظام قضایی سازمان جهانی تجارت

شیوه حل و فصل اختلافات جوابگوی نیاز نظام نوین تجارت بین الملل نبود، لذا سازمان جهانی تجارت با نگرشی نوین به موضوع نگرست. در مجموعه اسناد سازمان جهانی تجارت، اسناد متعددی یافت می‌شود که مستقلاً یا در ضمن سایر موضوعات به مسأله نحوه رسیدگی به اختلافات بین اعضای این سازمان و حل و فصل آنها پرداخته اند. این نوشتار به معرفی این منابع که شکل دهنده مکانیسم حل و فصل اختلافات در این سازمان هستند، می‌پردازد.

الف - موافقتنامه تاسيس سازمان جهانی تجارت این موافقتنامه که به اعلام تاسيس سازمان جهانی تجارت و تشریح تشکیلات و وظایف آن اختصاص یافته است، در ماده ۳ (بند ۳) مربوط به وظایف سازمان و در ماده ۴ (بند ۳) مربوط به ساختار سازمان به موضوعات مربوط به حل و فصل اختلافات اشاره دارد.

ب - تفاهم در مورد قواعد و آیین حاکم بر حل و فصل اختلافات " این سند با ۲۷ ماده و ۳ پیوست مستقلاً به موضوع حل و فصل اختلافات بین اعضا اختصاص داشته و ضمیمه شماره ۲ از سند اصلی این سازمان یعنی موافقتنامه تاسيس سازمان جهانی تجارت محسوب می‌گردد.

پ - تصمیم درباره اجرا و بررسی تفاهم نامه راجع به قواعد آیین حل و فصل اختلافات این سند بیانیه کوتاهی است که اعتبار قواعد و آیین نامه گات ۱۹۷۴ را تا زمان اعتبار یافتن موافقتنامه تاسيس سازمان جهانی تجارت، تمدید می‌بخشد.

^۱ . International Chambre of commerce(-ICC)

ت - تصمیم درباره برخی آیین های حل و فصل اختلافات برای موافقنامه عمومی تجارت خدمات به موازات قواعد و آیین عمومی حل و فصل اختلافات در نظام سازمان جهانی تجارت ، برای بعضی از موضوعات با توجه به ویژگیهای خاصشان، مکانیسم های ویژه ای در نظر گرفته شده است، از جمله این موارد، تجارت خدمات می باشد. این تصمیم نامه نیز تشریفات اختصاصی برای رسیدگی اختلافات ناشی از موافقنامه عمومی تجارت خدمات (GATS) قائل گردیده است. مواردی دیگر نیز در این راستا موجود دارد که تبیین آنها از حوصله این نوشتار خارج است و به ذکر این موارد کفایت می شود. ث - مواردی از موافقنامه خرید دولتی ج - مواردی از موافقنامه تجارت هوایمای غیر نظامی

چ - مواردی از موافقنامه بین المللی لبنیات

ح - موادی از موافقنامه جنبه های مرتبط با تجارت حقوق دارایی فکری

خ - مواردی از موافقنامه اجرا تدابیر بهداشتی و بهداشت نباتی د- موادی از موافقنامه منسوجات و پوشاک(روناتو، ۱۳۷۵)

مبحث سوم:

قواعد ویژه کشورهای در حال توسعه

قاعده کلی رفتار ویژه در مورد کشورهای در حال توسعه و کشورهای با کمترین توسعه یافتگی (LDC) که در نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت رعایت می گردد، در مورد نظام حل و فصل اختلافات در چارچوب سازمان مزبور نیز اجرا می گردد. موارد زیر به کشورهای در حال توسعه اختیار داده شده است:

الف - انتخاب آیین سریع تری برای رسیدگی اختلافات

ب - درخواست مهلت زمانی بیشتر برای آمادگی به دفاع

ج - در خواست معاضدتهای حقوقی تکمیلی از سازمان جهانی تجارت همچنین سایر اعضای سازمان ترغیب گردیده اند که ملاحظات خاصی در رابطه با وضعیت کشورهای در حال توسعه، هنگام طرح اختلافات را مدنظر قرار دهند((Geneva:WIPO,1998)).

با توجه به رعایت حقوق ویژه در مورد کشورهای در حال توسعه در آیین رسیدگی اختلافات در چارچوب (DSB) سازمان، این مکانیزم حل و فصل به صورت گسترده مورد استفاده کشورهای در حال توسعه در مورد ۲۷ موضوع از کل ۸۳ موضوع، مطرح در DSB ارائه شده است. برای نمونه می توان به موارد زیر اشاره کرد.

الف - شکایت برزیل از پرو در مورد اقدامات مؤثر بر واردات فیلم(DS596)

ب - شکایت کلمبیا - درباره حقوق ضد دامپینگ در سبب زمینی سرخ شده منجمد از بلژیک ، آلمان و هلند(DS591)

ج - شکایت هند از چین و تایوان درباره تعرفه برخورد با کالاهای خاص در بخش فناوری اطلاعات و ارتباطات(DS588)

د-شکایت هند از ایالات متحده آمریکا درباره عوارض اضافی برای برخی محصولات خاص از ایالات متحده (DS585)

ذ-شکایت پاکستان - اقدامات ضد دامپینگ در فیلم پلی پروپیلن دو محوره از امارات متحده عربی (DS538)
ر-شکایت پاکستان - تحقیقات ضد دامپینگ و تحریم های خنثی در مورد برخی محصولات کاغذی از اندونزی (DS470)

ه -شکایت استرالیا از اندونزی - اقدامات خاصی در مورد علائم تجاری، علائم جغرافیایی و سایر موارد مورد نیاز بسته بندی ساده قابل استفاده در محصولات و بسته بندی دخانیات (DS467) (https://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/dispu_status_e.htm) و موارد بسیار دیگری که از حوصله این نوشتار خارج است و از ذکر آنها خودداری می شود. استفاده از خدمات حقوقی تکمیلی سازمان جهانی تجارت نیز یکی از حقوق ویژه این گروه از کشورها است که در تفاهم مزبور، به شرح وظایف دبیرخانه سازمان جهانی تجارت در اجرای تفاهم نامه و پیشبرد رسیدگی طرفهای دعوی اختصاص یافته است. بنده از ماده مزبور به وظیفه دبیرخانه سازمان در ارائه خدمات حقوقی و اجرایی به هیاتهای رسیدگی اشاره دارد. در بند ۲ همان ماده، ارائه خدمات ویژه حقوقی به یکی از طرفهای اختلاف که از کشورهای در حال توسعه باشد، توسط دبیرخانه پیش بینی شده است. طبق بند مزبور، کشور در حال توسعه متقاضی استفاده از خدمات ویژه حقوقی، می تواند شاکی یا خوانده در قضیه مطروحه باشد. بند مزبور به شرح ذیل است: در حالی که دبیرخانه به اعضا، بنا به درخواست آنها، در خصوص حل اختلاف کمک می کند، همچنین ممکن است لازم باشد که به کشورهای در حال توسعه عضو، مشورت و کمک حقوقی بیشتری در خصوص حل اختلاف ارائه نماید. بدین منظور دبیرخانه در صورت درخواست یک کارشناس حقوقی واجد شرایط از دوایر همکاری فنی سازمان تجارت جهانی را در اختیار کشور در حال توسعه عضو به طریقی کمک خواهد کرد که حفظ بیطرفی دبیرخانه تضمین گردد.

رویه‌های رسیدگی در WTO

براساس رویه‌ای که از ابتدا درگات وجود داشت و به منظور اطمینان از دسترسی کشورهای در حال توسعه به منافع تجاری، این کشورها از ترتیبات ترجیحی محدودی برخوردار بودند که کافی به نظر نمی‌رسید. در مذاکرات دور اروگوئه به کشورهای در حال توسعه و مسائل و منافع آنان توجه بیشتری شد و مذاکره کنندگان تلاش نمودند که با تدوین مقرراتی در چارچوب سازمان تجارت جهانی، این کشورها از ترتیبات ترجیحی، تسهیلات و فرصت‌های تجاری و کمک‌های فنی ویژه‌ای برخوردار شوند. هدف از برقراری «رفتار ویژه و متفاوت» تضمین حقوق، ممانعت از سلطه اقتصادی و جلوگیری از تضمین منافع و مشارکت هرچه بیشتر کشورهای در حال توسعه در سازمان تجارت جهانی می‌باشد. (Qureshi, 2003, 157) در واقع با برقراری اصل «رفتار ویژه و متفاوت» در تفاهم‌نامه حل اختلاف، سازمان سطحی از تبعیض را به نفع کشورهای در حال توسعه مجاز شناخته است (Raisi, 1392: 354) و هدف، ایجاد نابرابری حقوقی برای دستیابی به یک برابری اقتصادی است. استثنائات حمایتی و دوگانگی ناشی از «رفتار

ویژه و متفاوت» در حوزه تجاری به دو شکل مدنظر قرار گرفته است. یکی حقوقی و امتیازاتی که در موافقت‌نامه پیش‌بینی شده است و دوم، رفتار متفاوت که توسط سایر اعضا به کشورهای در حال توسعه اعطا شده است. نمونه شکل اول مقررات سازمان تجارت جهانی در مورد تأخیر زمان اجرای تعهداتی خاص برای کشورهای در حال توسعه است که نسبت به کشورهای توسعه یافته فرصت طولانی‌تر برای اجرای این گونه تعهدات به آنها داده شده است. نمونه شکل دوم، رفتار تعرفه‌ای ترجیحی اعطایی از سوی یک کشور توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه است هر دو گونه تبعیضات پیش‌بینی شده ناشی از این اعتقاد است که نیازهای تجاری کشورهای در حال توسعه، اساساً با نیازهای کشورهای توسعه یافته متفاوت است و لذا برای این دو گروه از کشورها نبایستی قواعد تجاری یکسانی اعمال شود. همچنین در حوزه حل و فصل دعاوی، تفاهم‌نامه دوگانگی را مدنظر قرار داده و ارجحیت‌ها و امتیازات ویژه و متعددی را برای کشورهای در حال توسعه مقرر داشته است که حقوق و امکانات خاصی را به این کشورها اعطا می‌نماید. از جمله اینکه اعضای سازمان تجارت جهانی در فرآیند رسیدگی به اختلافات باید نسبت به مسائل و منافع کشورهای در حال توسعه، توجه و ملاحظات ویژه‌ای داشته باشند (ماده ۴(۱۰) تفاهم‌نامه حل اختلاف) همچنین در ماده ۳(۱۲) تفاهم‌نامه مقرر شده است که چنانچه شکایتی توسط یک کشور در حال توسعه علیه کشور توسعه یافته مطرح شود، دولت شاکی می‌تواند به جای استفاده از تعهدات مربوط به پروسه مشاوره (ماده ۴ تفاهم‌نامه) از رویه‌های اختیاری (ماده ۵ تفاهم‌نامه) بهره جوید. همچنین تفاهم‌نامه به کشورهای در حال توسعه اجازه می‌دهد که در دعاوی بین آنها با کشورهای توسعه یافته خواهان حضور یک کرسی از کشورهای در حال توسعه در هیئت حل اختلاف (پانل) باشند. ماده ۲۷(۲) تفاهم‌نامه، دبیرخانه سازمان را موظف به ارائه خدمات و کمکهای حقوقی و اجرایی به هیئت‌های رسیدگی به نفع کشورهای در حال توسعه که طرف دعوا می‌باشند، نموده است. هدف از پیش‌بینی و برقراری رویه خاص در مورد کشورهای در حال توسعه عمدتاً بر این ملاحظه است که کشورهای در حال توسعه نمی‌توانند برای مدت طولانی پیامدهای اقتصادی ناشی از تخلف کشورهای پیشرفته از مقررات سازمان تجارت جهانی را تحمل کنند و منتظر رسیدگی‌های طولانی و پیچیده باشند. گرچه عموماً پذیرفته شده که وجود یک سیستم چند بعدی حل اختلاف در سازمان تجارت جهانی که تمام اعضا بطور برابر به آن دسترسی داشته و در آن تصمیمات براساس قوانین اتخاذ می‌شود به نفع کشورهای در حال توسعه و اعضای کمتر توسعه یافته است، لیکن این نظر از سوی برخی از گروهها و کشورهای در حال توسعه مورد انتقاد قرار گرفته است. کشورهای در حال توسعه سازوکارهای حمایتی در تفاهم‌نامه حل اختلاف را به دلیل اینکه جنبه توصیه‌ای داشته و از نظر حقوقی الزام‌آور نبوده و همچنین قابل بررسی و سنجش قضایی نمی‌باشند بی‌فایده می‌دانند و منکر تأثیرات مثبت آن بر منافع خود بوده و اصلاح مقررات تفاهم‌نامه را ضروری می‌دانند.

با یان توضیحات، برخی از محققان حوزه تجارت بین‌الملل عملکرد رکن حل اختلاف را موفقیت‌آمیز ارزیابی نموده و معتقدند که میزان مشارکت کشورهای در حال توسعه بایستی از جنبه حجم اقتصادی و میزان سهم آنها در تجارت جهانی سنجیده شود. کشورهایی که حجم بزرگی از تجارت بین‌الملل را دارند پتانسیل اختلافات تجاری بیشتری را

دارند بنابراین، طبیعتاً مراجعه آنها به رکن حل اختلاف بیشتر است. بر این اساس حجم کوچک تجارت کشورهای در حال توسعه در تجارت جهانی موجب قلت دعاوی و در نتیجه محدودیت مشارکت آنها در نظام حل اختلاف می‌گردد (رئیس، لیلا، صادقی حقیقی، دیدخت ۱۲۷: ۱۳۹۴-۱۴۴)

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی و پژوهشی

سازمان تجارت جهانی (WTO) در سال ۱۹۹۵ بر اساس توافقنامه‌ی گات، جهت تسهیل و توسعه‌ی تجارت بین‌الملل تأسیس شده است. این سازمان تلاش میکند با وضع قوانین و مقررات خاص، موانع تجاری را بین کشورهای عضو، حذف کند و یا تا حد قابل توجهی کاهش دهد. با وجود اینکه بیشتر اقتصاددانان بر این موضوع توافق دارند که بهترین سیاست حاکم بر تجارت جهانی، میتواند تجارت آزاد باشد، دیدگاه حمایت‌گرایی هنوز به اندازه‌ی نفوذ دارد که میتوان از آن به عنوان مانعی جدی در مقابل سیستم تجارت و سرمایه‌گذاری آزاد یاد کرد. در حقیقت ریشه‌های چنین دیدگاهی به نظریه‌سستی مرکانتیلیسم باز میگردد. بر اساس این نظریه، کشورها باید تلاش کنند بیش از آنچه وارد میکنند، صادر کنند، تا از این طریق ثروتمند شوند. در مقابل، تئوری تجارت آزاد به مدل مزیت نسبی دیوید ریکاردو (۱۸۱۷) برمی‌گردد که عنوان می‌کند هر کشوری باید در تولید و صادرات کالا(هایی) تخصص یابد که نسبت به کشورهای دیگر مزیت نسبی قیمتی در تولید آن (ها) دارد و باید کالا(هایی) را وارد کند که در تولید آن (ها) نسبت به دیگر کشورها از مزیت نسبی برخوردار نیست. بر اساس این نظریه، چنانچه دولت‌ها در فعالیتهای تجاری دخالت نکنند، منابع موجود در هر کشور در کاراترین حالت مورد بهره‌برداری قرار میگیرد، و مزایای حاصل از تخصص‌گرایی از طریق تجارت آزاد بین کشورها تقسیم میشود. قوانین و مقررات WTO، بر اساس تئوری دیوید ریکاردو، از طریق کاهش موانع تعرفه‌ای و سایر تبعیض‌های تجاری، به کشورهای عضو در به حداکثر رساندن سطح روابط تجاری کمک میکند. براین اساس، با وجود رویه‌ای که از ابتدا درگات وجود داشت و به منظور اطمینان از دسترسی کشورهای در حال توسعه به منافع تجاری، این کشورها از ترتیبات ترجیحی محدودی برخوردار بودند که کافی به نظر نمی‌رسید. در مذاکرات دور اروگوئه به کشورهای در حال توسعه و مسائل و منافع آنان توجه بیشتری شد و مذاکره‌کنندگان تلاش نمودند که با تدوین مقرراتی در چارچوب سازمان تجارت جهانی، این کشورها از ترتیبات ترجیحی، تسهیلات و فرصت‌های تجاری و کمک‌های فنی ویژه‌ای برخوردار شوند. هدف از برقراری «رفتار ویژه و متفاوت» تضمین حقوق، ممانعت از سلطه اقتصادی و جلوگیری از تضمین منافع و مشارکت هرچه بیشتر کشورهای در حال توسعه در سازمان تجارت جهانی می‌باشد هدف از اصلاحات گات کمک به کشورهای توسعه نیافته بوده که آنها را در مقابل قدرتهای سیاسی عایق‌بندی نماید. در تفاهم‌نامه حل اختلاف که اغلب به عنوان یک دستاورد مهم سازمان تجارت جهانی تلقی می‌شود کشورهای در حال توسعه موقعیت مناسبی ندارند. عدم مشارکت و عدم دسترسی این کشورها به نظام حل و فصل اختلافات بازتابی از طیف گسترده‌ای از عوامل است و یک مشکل چند وجهی است که درمان ساده‌ای ندارد. مشارکت محدوده کشورهای در حال توسعه دلیل بر آن نیست که نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی

مغرضانه بوده و منافع کشورهای در حال توسعه را تحریف می‌نماید. گرچه منکر آن نمی‌توان شد که تفاهم‌نامه مذکور دارای کاستی‌ها و ابهاماتی است که می‌بایستی اصلاح گردد. بدون شک روند حل اختلاف سازمان تجارت جهانی می‌تواند در بسیاری از جوانب بهبود یابد. با این حال بعید است که اصلاح تفاهم‌نامه حل اختلاف منجر به افزایش قابل توجه مشارکت کشورهای در حال توسعه در نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی گردد.

چالش‌های داخلی عمده‌ای بر سر راه کشورهای توسعه نیافته وجود دارد. به نظر می‌رسد که این کشورها باید بوروکراسی خود را تقویت کنند، مکانیزم تصمیم‌گیری اقتصادی و تجاری داخلی خود را ساده نمایند. ظرفیت دانش حقوقی خود را ارتقاء داده و با هماهنگی موسسات و نهادهای خود شرایط مطلوبی را برای ارتباط منسجم بین دولت و بخش خصوصی ایجاد نمایند.

سیستم قضایی سازمان تجارت جهانی به عنوان یک سیستم حقوقی-قضایی خاص، دارای قواعد و مقررات ویژه و اختصاصی مندرج در موافقتنامه‌های متعدد خود بوده که در موضوعات مرتبط با تجارت بی‌المللی اعمال گشته و جایگزین قواعد عام حقوق بین‌الملل می‌گردند. با این حال سیستم مزبور در مواردی فاقد قواعد خاص و مشخص بوده و ناچار به مراجعه اصول کلی حقوقی و استفاده از آنها می‌گردد. این مراجعه به اصول کلی حقوقی به ویژه در مباحث مرتبط با مسائل شکلی رسیدگی به اختلافات ضروری مینماید و در عمل نیز رکن حل و فصل دعاوی سازمان تجارت جهانی در مواردی به وضوح از اصول مزبور در رسیدگی‌ها استفاده نموده و بر مبنای آنها تصمیم‌گیری نموده است. گرچه رکن حل و فصل دعاوی سازمان صراحتاً به بیان مبنای حقوقی استفاده از این اصول و تبیین شرایط لازم برای اعمال آنها نپرداخته است، اما بررسی آراء مزبور نشان می‌دهد که هیأت‌های رسیدگی و رکن استینافی سازمان با استناد به صلاحیت ذاتی خود و با رعایت سه شرط ضروری بودن اعمال اصول کلی حقوقی، شکلی بودن اصول مزبور و عدم مغایرت اصول مزبور با مقررات موافقتنامه‌های سازمان از آنها بهره‌مند می‌گردد. استفاده از اصول مزبور با این شرایط علاوه بر این که در بهبود عملکرد رکن حل و فصل دعاوی سازمان مؤثر بوده بر مشروعیت هر چه بیشتر سازمان تجارت جهانی به عنوان یک نهاد تأثیرگذار در عرصه تجارت بین‌المللی می‌افزاید. از اینجا به بعد بود که ابرقدرت‌های با پیشتازی ایالات متحده متوسل به قوانین و مقررات بین‌الملل شدند. بعد از این گشایش بود که رویه‌های ژئوپولیتیکی توسعه طلب ابرقدرت‌ها را تا حدودی برای عدالت در اقسام مختلف خودش که از موضوعات و مفاهیم ضد-ژئوپولیتیک هستند باز کرد.

منابع

- Amiri, Hashem, Lotfi, Haidar (1399) Geopolitics and anti-geopolitics, Farhikhtegan Danesh Publications, Tehran, Iran.(in persian)
- Center for International Economic Studies, Stockholm University (2004), Methods of Compensation in the WTO Dispute Resolution System and the Interests of Developed Countries. Issue 63 August 83: 74.(in persian)
- Dunne, Time; Milya Kurki; Steve Smith. (2010). International Relations Theories: Disciplin and Diversity. Oxford. Oxford University press.
- Keohane, Robert. O. (2012). "Twenty Years of Institutional Liberalism". International Relations, Vol.26 (2), pp.125-138.

- Keohane, Robert O. (1984). After hegemony: cooperation and discord in the world political economy. New Jersey: Princeton University Press
- Hockman, Bernard, M, (1995)"Trade laws and Institutions, Good Practices and the World Trade Organization,(Washington, D.C: The World Bank)
 - Momeni, Mohsen, Enayati, Seyed Mohammad Hassan (2016), The Role of the World Trade Organization (WTO) in the development and promotion of international economic law, Comprehensive International Congress of Iranian Law.(in persian)
 - Reisi, Leila, (2013), Legal Dispute Resolution System: Intellectual Property, Jangal Publications, Javadaneh, Second Edition, Tehran.(in persian)
 - Rajaei, Seyed Mohammad Kazem, Moalemi, Seyed Mehdi (2011) Introduction to the concept of "economic justice" and its indicators: Economic knowledge of the second year of spring and summer 2011 No. 2 (4 in a row) .(in persian)
 - Sadeghi Haghghi, Didakht, Raisi, Leila (2015), Barriers to Participation of Developing Countries in the Dispute Resolution System of the World Trade Organization, Quarterly Journal of International Relations Studies, Volume 9, Number 34 - Serial Issue 34 Summer 2016 Page 127-144.(in persian)
 - Ronato, Roger, (1996) "Liberalization of trade and the rule of law in the world to all affiliated", Pakdaman, Reza (translator) in Tehran: Institute of Studies and Business Research, .(in persian)
 - Yousefi, Ahmad Ali; (2013). Alavi Economic System, Tehran, Publications of the Institute of Islamic Culture and Thought, Third Edition. .(in persian)
 - Qureshi, Ashifh (2013), "Participation developing countries in the WTO dispute settlement system", Journal of African Law, Vol.24, No.2.
 - .WTO,"Government Procurement" (Geneva:WTO,1998)
 - https://www.wto.org/english/tratop_e/dispu_e/dispu_status_e.htm
 - <http://isihome.ir/content/19--world-trade-organization>
 - www.reuters.com/articl